

رازهای به

و همچنان بهار می‌آید و می‌رود و پس از هر چند دهه‌ای، انسانی می‌آید و می‌رود و در این دو فاصله بهار انسانی (تولد و مرگ) برخی رازهای هستی با تکاپو در منظر و مرای آدمی بازنمایی می‌شود و سپس نوبت دیگری می‌رسد. این تجربه حیات به بشر آموخته است که آموخته‌های خویش را به دیگری وانهد و او نیز بخشی از این رمز و رازها را به پیشانی حیات اضافه کند و باز از نو، بهار، نویی است و از نوشتن است و همین است معمای هستی.

در سالی که شروع می‌کنیم، یک بار دیگر به برگزاری رخدادی در میادین بین‌المللی ورزشی می‌رسیم که بهار آن هر چهار سال یک بار می‌باشد. جدیدترین دوره بازی‌های المپیک در پایان تابستان ۱۳۹۵ در «شهر ریوی» برزیل آغاز می‌شود و طی آن، نزدیک به ۱۵ هزار نفر از نخبه‌ترین ورزشکاران جهانی به رقابت در کلیه رشته‌های ورزشی شناخته شده می‌پردازند هنرنمایی این جمع محدود، میلیاردها نفر را به تماشا می‌کشاند و جهان مسحور این رویداد زبیا، یکپارچگی و وحدت انسانی را یکبار دیگر تجربه می‌کند. رقابتی عادلانه که هر کس در آن سخت‌تر کوشیده است، دامن بیشتری از خرمن گل - مدال‌های طلا بازی‌ها - برمی‌چیند. در میدان رقابت بازی‌های المپیک، فراز و فرودهایی دیده می‌شود که همه برای رویاهای شیرین بشر آموزنده است. تلاش، تلاش تلاش و باز هم تلاش. همچون بشر که عمری را زیر این سقف مقرنس به سر می‌برد تا در روزگاری، مزد آن را بگیرد، در بازی‌های المپیک، بخشی از نخبگان جامعه چهارسال تلاش و کار می‌کنند تا در آوردگاه نهایی بازی‌های المپیک - که در آن گاهی اجرای یک ورزش به کمتر از ۱۰ ثانیه می‌رسد - مزد زحمات خود را بگیرند. درست مثل راز خلقت که بشر را نوید می‌دهد با کار و تلاش مداوم، سختی مسیر را بر خود هموار کند و آنگاه به بهشت موعود راه یابد. در نظام ورزشی جهان، ورزشکاران چهارسال تمام به سختی تلاش می‌کنند تا به بازی‌های المپیک راه یابند و طبیعی است در آنجا تازه باید به رقابتی سخت و سنگین با همتایان خود بپردازند تا کام خود را بگیرند. پس آنچه در بازی‌های المپیک - زیباترین مظهر رقابت عادلانه و دوستانه بین ملل گوناگون - دیده می‌شود، آشنایی

چو در دست است رودی خوش، بزن مطرب سرودی خوش

که دست‌افشان غزل خوانیم و پاکوبان سراندازیم
معمای هستی، اسرار وجود، خلق کائنات همه
مصادیقی هستند که آدمی را در عالم خاکی به تفکر
و می‌دارند که در پس این همه گل‌افشانی و می‌در
ساغراندازی، چه رازهایی هست.

آن که پر نقش زد این دایره مینایی
کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد
از عیان‌ترین رازهای هستی، همان رویش حیات در
فصل بهاران است که نفع حیات بازسازی می‌شود
و پرده‌های رنگین یکی پس از دیگری، چشم‌ها را
می‌نوازد و خلق و خوی موجودات به دست‌افشانی
و بارقه‌های امید ره می‌یابد. ولی، رمز و راز چرخ
فلک، اندیشه را به تکاپو و می‌دارد که این آمدن‌ها و
رفتن‌های پی‌درپی چرا؟ با این همه

پی به سر آفرینش کس نبرد
باز جمعی در پی حل معما می‌روند
و شاید همین سر، بارزترین وجه معمای هستی
است که بشر افلاکی ولی مقیم در خاک را با امیدهای
فراوان به پیش می‌برد. با کوشش و دانش، ذره‌هایی
از ماجراهای حیات را می‌کاود ولی پی‌بردن به این
همه رموز هستی محدود و با سرنهادن به آستانش
باید گفت:

کاشف رمز طبیعت بشر ناقص نیست
فهم مخلوق در اسرار الهی محدود
خلقت جهان - که بارزترین علت تکوینی آن همین
بهار است - به عیان فاش می‌سازد که در کائنات امیری
است توانا که نقش در نقش قالبی می‌زند که فلسفه
کل حیات را در بهار خلاصه می‌کند که بارزترین وجه
آن پدید آمدن در روزگاری و از بین رفتن در روزگاری
دیگر و به فاصله کوتاهی است و همین پیام بهاران را
بشر بس که بگوید:

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک
دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست
به امید سرکوبش پر و بالی بزنم
من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم
آنکه آورد مرا باز برد تا وطنم





هر چه بیشتر انسان با توانایی‌های خود و رسیدن به جایگاه‌های بلند در رقابت زندگی است. هر تلاش در صحنه زندگی و هر گذرگاهی که بشر با سربلندی از آن عبور می‌کند، او را متقاعد می‌سازد که در عبور از آزمایش‌های الهی می‌تواند در اندازه‌های ظاهر شود که با ساقی در آمیزد و بنیاد پستی‌ها و ناپاکی‌ها را براندازد. هر چه بشر در طول حیات خود آفریده و آن را با تلاش خود رنگین‌تر کرده، دست‌آوردی شده است که گره در کار نبیند.

گره در میاور بر ابروی خویش
در آیینۀ فتح بین روی خویش

و اما در این بازی‌ها، ورزشکاران ایرانی با تلاش مضاعف علاوه بر گرفتن سهمیه‌هایی برای حضور در بازی‌ها، نماد ملی‌اند که فخر آن‌ها شهیدانند که بیش از همه اسرار هستی را نه با سر که با جان به ادراک رساندند. آن‌ها تلاش زمینی و افلاکی را در هم آمیختند تا به کسانی که امروز در صحنه‌های جهانی آن‌ها را نمایندگی می‌کنند، بگویند:

نه تخت جم، نه ملک سلیمانم آرزوست
راهی به خلوت دل جانانم آرزوست
دربانی بهشت به رضوان حلال باد
آیینۀ داری رخ جانانم آرزوست

ورزشکاران عزیز حاضر در بازی‌های المپیک بدانند که رسیدن به مرزهای موفقیت مادی - هر چند مایه بسی افتخار است - ولی آن‌ها نمایندگان این الگوهای جوانمردی‌اند که پاک و زلال بودند و از شما نیز همین را می‌خواهند. موفقیت مادی در بازی‌های المپیک و به چنگ آوردن و به سینه آویزان کردن مدال‌های رنگین و به اهتزاز در آوردن پرچم زیبای کشور، همه و همه زمانی با توفیق واقعی همراه است که برای رسیدن به این موفقیت، تلاش‌ها همه پاک و صادقانه باشد. می‌دانیم که اهمیت بازی‌های المپیک به قدری است که حضور در آن مایه بسی مباحث برای کشور و ایستادن روی سکوه‌های آن باز هم آرزویی است بس والا، ولی رسیدن به این آرزو نباید با آرزوهای آن راست‌قامتان جاودان تباین داشته باشد و این هشدار است برای ورزشکارانی که برای حضور در این میدان و رسیدن به جایگاه‌های برتر گاهی با اهمال و احتمال - شیوه‌هایی غیر از پاکی برمی‌گزینند و البته به قلب‌ها

راهی نخواهند جست.

در انجمن به اهل سخن جا نمی‌دهند
این‌ها که فرق خوب و بد اصلاً نمی‌دهند
انتظار ملتی - که شهدا فخر آنان به شمار می‌روند -
سرودن شعری است که وزن و مصرع و قافیۀ آن همه
از آن خود سراینده باشد و آنجا که با قلب حقیقت و
دست‌دازی به روش‌هایی به جز توانایی‌های مشخص،
زری اندوخته شود، زیبایی نیست که نه تنها با راز و
رمزهای هستی در زندگی بشر، بلکه با فلسفه مادی
بنیان‌گذاران همین بازی‌های المپیک در یک صد
و بیست‌سال پیش هماهنگی ندارد. پیشه و منش
انسانی، نیاز جامعه ورزشی و همه ورزشکارانی است
که به نمایندگی از میهن ماندگارمان در تاریخ، در
بازی‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ حضور می‌یابند. این
ارمغان را باید قدر دانست تا ملتی با افتخار، سرود
ترنم شادی‌ها و رشادت‌ها و زیبایی‌ها را با شما هم
آوا شود؛ و گرنه در تاریخ اسطوره‌هایی داشته‌ایم که
ظهور کرده‌اند اما به دلیل کردار بد در اندیشه‌های زیبا
جایی نیافته‌اند.

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر
سخن نوآور که نو را حلاوتی است دگر

این تلاش قهرمانان ارزشمند ورزشی کشور در دفتر زمانۀ این ملت با آب طلا ثبت خواهد شد؛ اگر آلودگی‌ها - که گاهی جهان ورزش را به بدی می‌آمیزد - را به درون خود راه ندهند و وسوسه پادشاه‌های ملی و جهانی باعث نشود که آن‌ها از اصول ملی، میهنی و اسلامی خود فاصله بگیرند. برای این نمایندگان کشورمان در بازی‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ موفقیت آرزو می‌کنیم و به آن‌ها اطمینان می‌دهیم که در این مسیر، تصویرشان همیشه در قلب این ملت جاودانه خواهد ماند.

عکس روی تو چو در آیینۀ جام افتاد
عارف از خنده می در طمع خام افتاد
این همه عکس می و نقش نگارین که نمود
یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد
حسن روی تو به یک جلوه که در آینه گرد
این همه نقش در آیینۀ اوهام افتاد

سردبیر

